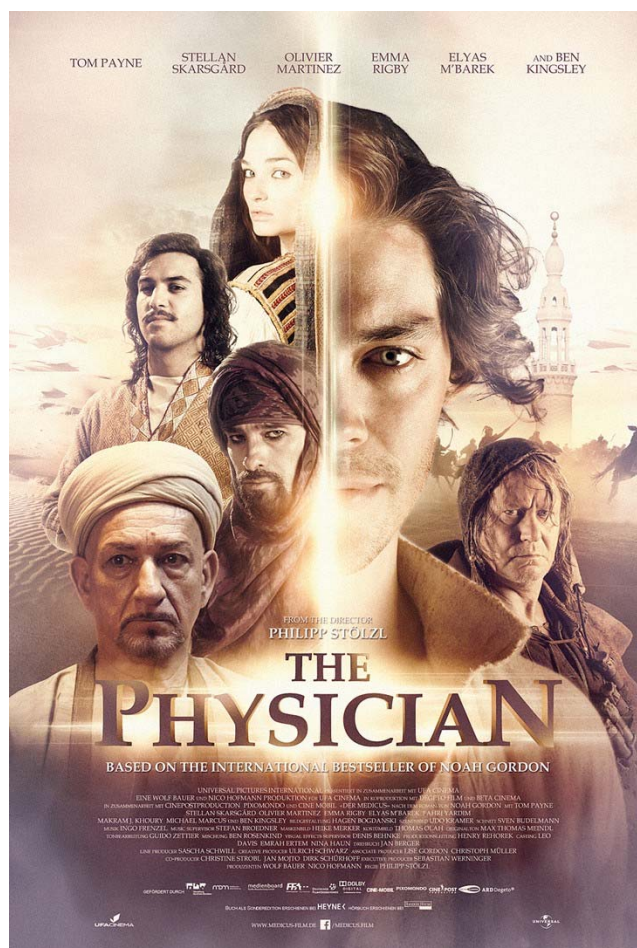


The Physician

By: *Nasser Hafezi-Motlagh*

n_hafezi@um.ac.ir



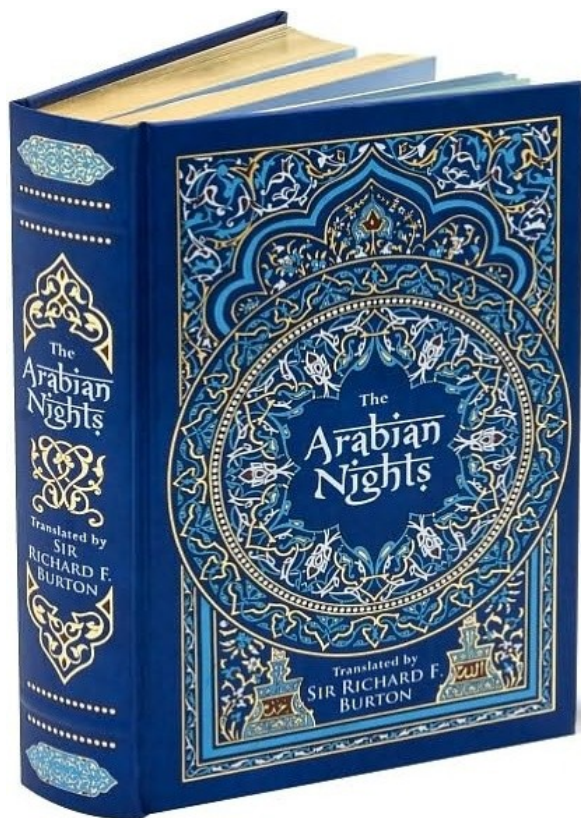
طبيب يا حكيم (به آلمانی: Der Medicus, به انگلیسی: The Physician) فیلمی تاریخی محصول کشور آلمان در سال ۲۰۱۳ میلادی است و بر اساس رمان "طبيب" اثر "نوا گوردون" نویسنده آمریکایی (ترجمه جواد اشرف) ساخته شده است. این رمان در سال ۱۹۸۶ منتشر شد و بیش از ۲۱ میلیون نسخه از آن در دنیا به فروش رسید. فیلم توسط "فیلیپ اشتولتسل" کارگردانی شده است. در این فیلم "بن کینگزلی" که در کارنامه هنری اش جایزه اسکار به خاطر ایفای نقش "مهاتما گاندی" در فیلم "گاندی" را دارد، در نقش "ابن سینا" بازی می کند.

فیلم، داستان یک جوان انگلیسی به نام "راب کول" است که در قرن یازدهم میلادی (قرن پنجم هجری) به خاطر عشق به دانش پزشکی از انگلستان در سفری طولانی عازم شهر "اصفهان" می شود تا در محضر بزرگ ترین

حکیم عصر خویش یعنی "ابن‌سینا" حکمت و طب بیاموزد. او حتی به‌واسطه شایعاتی که مبنی بر بدرفتاری مسلمین با مسیحیان شنیده است، خود را به‌عنوان یک یهودی جا زده و برای این منظور تن به ختنه می‌دهد. آن‌گونه که فیلم نشان می‌دهد جماعت زیادی از یهودیان در اصفهان زندگی می‌کنند و شناخته‌شده هم هستند که البته این قضیه به واقعیت نزدیک است. اصفهان شهری است که در میان قوم یهود جایگاه ویژه‌ای دارد. آن‌ها معتقدند پس از فتح بابل توسط "کوروش هخامنشی" که به اسارت یهودیان در بابل خاتمه داد، مهاجران یهودی اقامت گزیده در ایران، مکانی را یافتند که خاکش بسیار شبیه "اورشلیم" بود، پس در آنجا به یاد "اورشلیم" شهری ساختند که بعدها "سپاهان" یا "اصفهان" نام گرفت. هنوز هم آثار زیادی از یهودیان در اصفهان به‌جامانده است که متأسفانه اکثر آن‌ها ناشناخته‌اند و در دسترس بازدید عموم قرار ندارند.

از نکات جالب فیلم قیاس واقعی وضعیت اسفناک اروپای قرون وسطی با تمدن اسلامی پویای آن دوران است. در شرایطی که در انگلستان، فقر و دگماتیسم مذهبی همه‌چیز را در سیطره خود دارند، در اصفهان صحبت از علم و دانش و پژوهش است. شخصیت کلی "ابن‌سینا" در فیلم به شکل یک دانشمند و پژوهشگر پیشرو به تصویر کشیده شده که از تنگنای تعصب مذهبی و قومی رها شده است. او در قسمتی از فیلم، از زبان "راب کول" بزرگ‌ترین روشنفکر عصر نامیده می‌شود.

یکی از اشارات جالب فیلم، نقل کوتاه داستانی‌هایی نظیر "علا الدین و چراغ جادو" و "سندباد" از کتابی در دست یک دختر یهودی است. بدون شک این کتاب کتابی نیست جز: "هزار و یک شب".



اما دروغ‌های تاریخی بزرگی هم در داستان فیلم وجود دارند. هیچ سند محکم تاریخی مبنی بر وجود شاگردی انگلیسی به نام "راب کول" که در فیلم به‌عنوان اولین آناتومیست و تشریح‌گر تاریخ معرفی شده، در میان شاگردان "ابن‌سینا" موجود نیست. خنده‌دارتر این‌که روحانیون شیعه شهر با والی شیعه اصفهان یعنی "علا الدوله دیلمی" از در مخالفت و تکفیر درآمده‌اند و به "طغرل‌بیک سلجوقی" اهل تسنن می‌پیوندند. روحانیون شیعه اصفهان در فیلم بیشتر شبیه به رهبران "داعش" تصویر شده‌اند با تعصبات مذهبی شدید و تفکرات تبعیض‌آمیز ضد یهودی، در شرایطی که می‌دانیم جریان روحانیت شیعه در آن دوران مصداق کاملی از پلورالیزم دینی است و کاملاً در خلاف جهت دگماتیسم مذهبی حاکم در نیمه دوم خلافت عباسیان حرکت می‌کرده است. سلجوقیان در فیلم شباهت بسیاری به گروهک "سپاه صحابه" در پاکستان دارند و بهانه آن‌ها برای حمله به اصفهان، نجات دین از دست پادشاه ضد دین است. در فیلم "علا الدوله دیلمی" درنهایت به دست "طغرل‌بیک سلجوقی" کشته می‌شود در شرایطی که در واقعیت تاریخی "علا الدوله" خود را به سلجوقیان تسلیم کرد و بر حکومت اصفهان و یزد ابقا گردید. در انتهای فیلم "ابن‌سینا" پس از سوزانده شدن مدرسه‌اش به دست شیعیان متعصب، با خوردن سم دست به خودکشی می‌زند درحالی‌که در واقعیت تاریخی صحبتی از سم و خودکشی "ابن‌سینا" نیست.

در فیلم، معماری جالب مدرسه و بیمارستان "ابن‌سینا" نشانه‌هایی جالب از تمدن اصفهان آن روز هستند که برخلاف آنچه فیلم به تصویر کشیده، در هیچ سند تاریخی صحبتی از سوزانده شدن آن‌ها نیست. بقایای این مدرسه هنوز در شهر اصفهان باقی است و البته مورد بی‌مهری و کم‌توجهی مسئولین میراث فرهنگی قرار گرفته است.

در دوران اقامت در اصفهان، "ابن‌سینا" مدتی منصب وزارت "علا الدوله" را هم داشت و هرچند در حالت کلی مورد تأیید مذهبیان نبود و تا مرز تکفیر هم پیش رفت اما سندی مبنی بر مشکل او با روحانیون شیعه اصفهان به شکلی که در فیلم تصویر شده در دست نیست.

در این فیلم "راب کول" (که به لحاظ تاریخی مجعول الهویه است)، با سد قوانین مذهبی یهود و مسیحیت و اسلام برای تشریح کالبد بی‌جان انسان‌ها مواجه است اما یک دین دیگر به داد او می‌رسد: آیین زرتشت. یک بیمار زرتشتی که نامش قاسم است (گویا کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس با نام‌گذاری‌های زرتشتیان آشنایی نداشته‌اند) به "راب کول" این اجازه را می‌دهد که پس از مرگش بدن او را تشریح کند. بیمار زرتشتی معتقد است که کالبد انسان ظرف بی‌مقداری است که پس از مرگ هیچ ارزشی ندارد. او اصالت انسان را در قسمت آسمانی آن می‌داند و به‌درستی به‌رسم زرتشتیان مبنی بر قرار دادن اجساد در بالای بلندی‌ها اشاره می‌کند تا این کالبد‌های بی‌جان خوراک پرندگان و جانوران شوند و به این شکل به طبیعت بازگردند. هرچند زرتشتیان امروز این رسم را کنار گذاشته‌اند اما بقایای دخمه‌هایشان در بالای کوه‌ها که مردگان را در آن قرار می‌دادند، هنوز در برخی از شهرهای ایران مانند "یزد" باقی است. زرتشتیان معتقدند پس از مرگ، بخش آسمانی انسان در عبور از پلی به نام "چینواد" (که مانند پل صراط عرضش برای نیکوکاران و گناهکاران متفاوت است) مورد

قضاوت اعمالش قرار می‌گیرد. نیکوکاران عازم پردیس، گناهکاران عازم دوزخ و آنان که اعمال نیک و بد برابر دارند عازم مکانی به همستگان (مکانی شبیه به برزخ) هستند.
در انتهای فیلم، "راب کول" با میراث "ابن‌سینا" به انگلستان برمی‌گردد و بیمارستانی برای درمان بیماران و آموزش پزشکی تأسیس می‌کند، در شرایطی که پیش از آن توسط "ابن‌سینا"ی بزرگ به مقام "حکیم" نائل شده است.

ناصر حافظی مطلق

۱۳۹۴/۷/۲۴